

فصل یازدهم

سازماندهی، آموزش، کارآموزی

بزرگترین اتحادیه روزنامه‌نگاران ایران پیش از انقلاب، "سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات"، در سال ۱۳۴۱، با «حمایت خاصه شاهنشاه»، محمدرضا شاه پهلوی،^۱ و دیرپاترین نخست وزیر او، امیرعباس هویدا، تشکیل شد.^۲ یکی از نخستین اعضاء منتخب هیأت مدیره "سندیکا"، داریوش همایون، در سال ۱۳۵۶ به وزارت اطلاعات و جهانگردی منصوب شد و، چنانکه در نخستین فصل این کتاب گفته شد، مقاله اهانت آمیز اطلاعات درباره آیت‌الله خمینی که اعتراض‌های منجر به سرنگونی شاه را به دنبال آورد در زمان وزارت او به چاپ رسید. چنانکه در فصل‌های دوم و سوم گفته شد، "سندیکا" اگرچه در جریان انقلاب دو اعتصاب روزنامه‌نگاران را سازمان داد پس از تاسیس جمهوری اسلامی از کار باز ایستاد. در قوانین جمهوری اسلامی "انجمن"‌های صنفی به رسمیت شناخته شده بودند و "سندیکا" می‌بایست برای ادامه فعالیت خود را به "انجمن" تبدیل می‌کرد، اما برای این کار نیازمند تشکیل مجمع عمومی بود که هرگز اجازه برگزاری آن را به دست نیاورد. با وجود این، مسئولان جمهوری اسلامی با مسئولان "سندیکا" که پیش از انقلاب انتخاب شده بودند و قاعدتاً دیگر نباید سمت رسمی می‌داشتند با عنوان‌های رسمی سندیکائی آنان مکاتبه می‌کردند.^۳

نخستین سازمان نماینده مطبوعات در جمهوری اسلامی در پائیز ۱۳۶۷، به دنبال ملاقات گروهی از ناشران مطبوعات با وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، سید محمد خاتمی، و درخواست «تاسیس نهاد و یا تشکیلاتی برای حفظ منافع» مطبوعاتیان برپا شد. «دو روز بعد، در بیست و پنجم مهرماه ۱۳۶۷، در نشستی با حضور ۳۲ صاحب امتیاز فعال در آن زمان (غیر از تعدادی نشریه غایب و سه روزنامه کثیرالانتشار)، آقایان مهدی عبدخدائی، ناشر هفته‌نامه "فدائیان اسلام" به نام منشور برادری، غفور گرشاسی، ناشر روزنامه ابرار، و دکتر فریدون گل افرا، ناشر ماهنامه کشاورز به عنوان هیأت مؤسس انتخاب شدند.» سپس در مجمع عمومی "تعاونی مطبوعات"، علاوه بر سه عضو "هیأت مؤسس"، دکترگودرز افتخار جهرمی، ناشر چند نشریه حقوقی، و نادر کاوسی، ناشر هفته‌نامه ستاره سهیل، نیز به عضویت هیأت مدیره انتخاب شدند. در پائیز ۱۳۶۹، محمد محسن سازگارا، صاحب امتیاز گروه نشریات آئینه به ریاست هیأت مدیره "تعاونی" انتخاب شد،^۴ و در اردیبهشت ۱۳۷۰ اعضاء "تعاونی" نشستی در سالن کنفرانس "مرکز توسعه صادرات ایران" برگزار

^۱ بولتن سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات ایران، بهمن ۱۳۴۵، چاپ مجدد در مسعود کوهستانی نژاد، اسناد و گزارش‌های گروه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مطبوعاتی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۳، ۲۹۶. این کتاب اسناد ۱۶ سازمان صنفی محلی و سراسری روزنامه‌نگاران ایران در فاصله کناره‌گیری رضا شاه پهلوی در ۱۳۲۰ و سرنگونی محمد رضا شاه در ۱۳۵۷ را در برمی‌گیرد.

^۲ فصلنامه تحقیقات روزنامه‌نگاری، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۴۹، به نقل از مسعود کوهستانی نژاد، اسناد و گزارش‌های گروه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مطبوعاتی، ۳۱۰-۳۰۹.

^۳ عضو هیأت مدیره سندیکا، محمد بلوری، و غلامحسین صالحیار، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۱۱-۶.

^۴ علی اکبر قاضی زاده، "تعاونی مطبوعات"، رسانه، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، ۴۱-۳۷.

کردند.^۵ "تعاونی" در همان سال با موافقت رئیس جمهور رفسنجانی ۱۰۰ دستگاه وانت برای مطبوعات تهیه کرد و سپس از طریق "بنیاد مستضعفان" تعدادی موتورسیکلت در اختیار مطبوعات کوچکتر قرار داد. "تعاونی" همچنین ۳۰۰ واحد مسکونی برای اعضای خود تهیه کرد؛ به جای کیوسک‌های کهنه روزنامه فروشی تهران کیوسک‌های تازه‌ای نصب کرد؛ از چاپخانه‌ها برای چاپ مطبوعات نرخ پائین‌تری به دست آورد؛ قطعه‌ای زمین از وزارت جهاد سازندگی گرفت تا باشگاه مطبوعات را در آن بنا کند؛ و برای گزارش رویدادهای مربوط به مطبوعات، دو - هفته‌نامه‌ای به نام کارنامه مطبوعات منتشر کرد.^۶

اما "تعاونی مطبوعات" جای خالی سازمان صنفی روزنامه‌نگاران را پر نکرد. در پژوهشی در سال ۱۳۶۹، روزنامه‌نگاران وجود تشکیلات صنفی را «ضرورتی حیاتی» دانسته بودند که می‌توانست

تا حدود زیادی استقلال شغلی، مصونیت حرفه‌ای، تأمین حقوق صنفی، حمایت‌های قانونی، مالی، و اخلاقی اعضا و کسب هویت شکل‌نیافته این حرفه را به دنبال داشته باشد. آن‌ها همچنین بر این عقیده [بودند] که عضویت روزنامه‌نگاران در تشکیلاتی - مثلاً با نام «انجمن روزنامه‌نگاران» یا هر اسم و عنوان دیگری - می‌تواند آگاهی‌های آن‌ها را در مسائل اجتماعی و سیاسی روز داخلی و خارجی افزایش دهد و در نتیجه سطح کیفی مطبوعات و توان کاری آن‌ها را ارتقاء دهد.^۷

پژوهشی دیگر در سال ۱۳۷۳ نشان داد که روزنامه‌نگاران «نبود سندیکای حرفه‌ای» را یکی از بزرگترین مشکلات خود تلقی می‌کنند.^۸ تقاضا برای ایجاد تشکل در سال‌های بعد قوی‌تر شد. روزنامه‌نگاران داشتن تشکل صنفی را نه تنها «یک ضرورت، بلکه حق مشروع و طبیعی و نیاز زمان» دانستند و «موانع تشکیل سازمان‌ها و انجمن‌های مطبوعاتی» را چنین فهرست کردند:

روشن نبودن جایگاه مطبوعات، روزنامه‌نگاران، و خبرنگاران در جامعه؛ هياهو و جنجال سیاسی؛ سختی‌های کار روزنامه‌نگاری؛ تشتت و پراکندگی بین روزنامه‌نگاران؛ وجود افراد غیر علاقمند به این حرفه؛ وجود موانع ساختاری و شکل‌نگرفتن نهادهای جامعه مدنی در کشور؛ ضعف فرهنگ تحمل‌پذیری و ظرفیت‌پذیرش انتقاد؛ تمرکز گزافی شدید و پدرسالاری دستگاه‌های دولتی؛ رسوخ تفکرات سیاسی در جامعه مطبوعات؛ وابستگی مطبوعات به قدرت؛ و سابقه نه‌چندان خوب تشکل‌های صنفی در جامعه.^۹

در پژوهشی در سال ۱۳۷۵، «صاحبان حرفه روزنامه‌نگاری در مطبوعات شهر تهران» به وجود همین گونه موانع

^۵ رسانه، سال دوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰، ۹۴. سخنرانان این نشست عبارت بودند از: آقای مسعود بهنود، آقای محمد محسن سازگارا، خانم اعظم طالقانی، و آقای علی اکبر قاضی زاده.

^۶ علی اکبر قاضی زاده، "تعاونی مطبوعات"، رسانه، سال سوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۱، ۴۱-۳۷. برای اطلاع از کوشش تعاونی برای بهبود وضع توزیع نشریات در ایران نگاه کنید به معصومه وطنی، "توزیع، واسطه تولید و مصرف پیام"، رسانه سال ششم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۴، ۷۰-۵۸.

^۷ محمد مهدی فرقانی، "استقلال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران"، رسانه، سال دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۰، ۲۰.

^۸ دکتر مهدی محسنیان راد و همکاران، "انتقاد روزنامه‌نگاران از مطبوعات"، رسانه، سال پنجم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۳، ۹-۸.

^۹ مرتضی پورموسی، "راه‌اندازی تشکل‌های صنفی؛ موانع و راه‌حل‌ها"، رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۷۵.

بر سر راه تشکل‌های صنفی مطبوعات اشاره کردند، اما اکثریت آنان (۵۴/۱ درصد) شرایط را برای تشکیل اتحادیه مناسب تشخیص دادند و دلایل آن را چنین برشمردند: «آگاهی مسئولان نسبت به نقش خنثی این تشکل‌ها؛ طرح بحث احزاب در جامعه؛ گسترش کیفی و کمی مطبوعات؛ حجم بالای نیروی انسانی در کار مطبوعاتی؛ شکل‌گیری تجمعی از روزنامه‌نگاران حرفه‌ای؛ و حضور نیروهای قدیمی و باتجربه». در حدود ۴۰ درصد پاسخ دهندگان معتقد بودند که اتحادیه را باید خود روزنامه‌نگاران برپا کنند، در حالی که اکثریت معتقد بودند نخستین گام «باید توسط سازمان‌های مسئول دولتی چون وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برداشته شود».^{۱۰}

از تشکل ناشران تا "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران"

فکر ایجاد تشکلی برای جامعه مطبوعاتی «که از نخبگان جامعه هستند و به‌عنوان نیروهای تاثیرگذار در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شناخته می‌شوند» در اواسط دهه ۱۳۷۰ میان مطبوعاتیان پس از انقلاب مطرح شد. در «دیدار جامعه مطبوعات با مقام معظم رهبری، ایشان تصریح داشتند که اگر جامعه مطبوعات دارای تشکیلات شود در زمینه‌های مختلف کارساز خواهد بود». در مهر ۱۳۷۶، دو ماه پس از آغاز ریاست جمهوری آقای خاتمی، "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" تاسیس شد و اساسنامه آن در اولین مجمع عمومی با شرکت ۵۰۰ نفر به تصویب رسید. موسسان انجمن، مدیران مسئول هشت روزنامه بودند: نمایندگان آیت‌الله خامنه‌ای در اطلاعات و کیهان، به ترتیب حجت الاسلام سید محمود دعائی و حسین شریعتمداری؛ مدیرمسئول رسالت، سید مرتضی نبوی؛ مدیرمسئول جمهوری اسلامی، حجت الاسلام مسیح مهاجری؛ مدیرمسئول ابرار، سیدمحمد صفی زاده؛ مدیرمسئول کاروکارگر، علی ربیعی؛ مدیرمسئول سلام، حجت الاسلام سید محمد موسوی خوئینی‌ها؛ و مدیرمسئول همشهری، غلامحسین کرباسچی. با وجود این، مجمع عمومی هیأت مدیره ای برای انجمن انتخاب کرد که هیچ‌یک از مدیران مسئول در آن عضویت نداشتند،^{۱۱} و آئین‌نامه انجمن که بعداً به تصویب رسید مدیران مسئول را از عضویت کنارگذاشت.^{۱۲}

"انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" «به‌عنوان یک سندیکای سراسری و ملی کارگری در وزارت کار و امور اجتماعی ایران» و به‌عنوان سندیکای کارگری در ایران در بخش سازمان‌های غیردولتی سازمان ملل متحد به ثبت رسیده و عضو پیوسته "فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران" نیز هست. "انجمن" تنها کسانی را به عضویت می‌پذیرد که «در بخش تحریریه مطبوعات و نه سایر بخش‌های آن شاغل باشند. به عبارتی، عضویت مدیران جراید، کارکنان خبرگزاری‌های دولتی و همچنین کارکنان بخش‌های فنی و اداری مطبوعات در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران ممکن نیست. افرادی که در بخش تحریریه مطبوعات شاغل هستند عبارتند از خبرنگاران،

^{۱۰} همان، ۸۰-۷۶.

^{۱۱} مرتضی لطفی، نایب رئیس "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" و علی ربیعی، عضو هیأت مؤسس انجمن، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۱۵-۱۲؛ سلام، ۹ مهر ۱۳۷۶؛ کیهان ۱۲ تیر ۱۳۸۷، «۱۴۰۵/other/870412/14.htm#» (دسترسی ۳۰ آذر ۱۳۸۷).

^{۱۲} رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۸۳-۸۲.

گزارشگران، یادداشت نویسان و مقاله نویسان، کاریکاتوریست‌ها، طراحان، عکاسان، مترجمان، ویراستاران، دبیران و سردبیران.^{۱۳} این در حالی است که «سندیکای نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات» پیش از انقلاب «کلیه کارکنان تحریری مطبوعات، رادیو و تلویزیون» را به عضویت می‌پذیرفت.^{۱۴} در برخی از اتحادیه‌های رسانه‌ای امروز جهان نه تنها کارکنان رسانه‌های الکترونیک، بلکه شاغلان در روابط عمومی و حرفه‌های «سرگرم کننده» مانند هنرپیشگی و ورزش نیز عضویت دارند.^{۱۵}

بیشتر توان "انجمن" از زمان تاسیس آن در درگیری حکومت و مطبوعات اصلاح طلب شده، که در جریان آن «بیش از ۱۰۰ نفر از اعضای انجمن»، «حتی ۵ نفر از اعضای هیأت مدیره» آن، بازداشت شدند. فراهم کردن امکانات رفاهی و حرفه‌ای برای روزنامه‌نگاران زمینه‌ای دیگر برای فعالیت "انجمن" بوده است. سرفصل‌های فعالیت انجمن - به استثنای تاسیس دانشکده‌ای برای آموزش روزنامه‌نگاری که بعداً در این فصل از آن سخن گفته خواهد شد - چنین است:

تأمین کمک مالی یا مستمری بیمه بیکاری برای حدود ۱,۵۰۰ نفر از کارکنان مطبوعات که در جریان تعطیلی بیش از ۲۳ نشریه در ۱۳۷۹ کار خود را از دست دادند؛ تاسیس دو صندوق برای حمایت مالی از خانواده روزنامه‌نگاران زندانی و روزنامه‌نگاران بیکار و روزنامه‌نگارانی که نیاز مالی دارند؛ کمک به خانه‌دار شدن ۱۰۸ عضو و تاسیس شرکت تعاونی برای ساخت مسکن برای روزنامه‌نگاران؛ صدور صدها بیانیه، و برگزاری ده‌ها نشست و سخنرانی در ارتباط با آزادی بیان و حمایت از جریان آزاد اطلاع‌رسانی که مجموعه آن‌ها در کتابی با نام دغدغه آزادی چاپ شده است؛ و ارائه خدمات حقوقی رایگان به اعضا.^{۱۶}

"انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" اگرچه بزرگترین تشکل صنفی روزنامه‌نگاران ایران پس از انقلاب است (جزئیات عضویت در جدول ۱-۱۱)، قدیمی‌ترین آن‌ها نیست. از سال ۱۳۶۹ به بعد، دست کم پانزده تشکل دیگر

^{۱۳} "درباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، تورنمای "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، <http://www.aoij.ir/pages.php?t=1> (دسترسی ۱۶ مرداد ۱۳۸۷).
^{۱۴} ماده ۵ اساسنامه "سندیکا"، چاپ مجدد در کوهستانی نژاد، اسناد و گزارش‌های گروه‌ها، انجمن‌ها و اتحادیه‌های مطبوعاتی، ۳۱۱. "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" در مرداد ۱۳۸۷، تعداد کل اعضا خود را ۴,۰۰۰ نفر اعلام کرد «که تقریباً ۲,۰۰۰ نفر از آنان از حق رای برخوردارند»، و گفت «با این وصف انجمن صنفی اکثریت روزنامه‌نگاران ایران» را که «مطابق آمار رسمی نزدیک به ۶,۰۰۰ نفر»ند تحت پوشش دارد ("دیدار هیأت مدیره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران با سید محمد خاتمی"، تورنمای انجمن، ۱۶ مرداد ۱۳۸۷، <http://www.aoij.ir/news.php?lng=fa&id=45>، (دسترسی ۱۶ مرداد ۱۳۸۷)). با توجه به تعداد کارکنان صدا و سیما و تعداد روزافزون کارکنان رسانه‌های اینترنتی، شرایط عضویت فعلی "انجمن" را از اعضا بسیار بیشتر، و در نتیجه نفوذ چشمگیر، محروم می‌کند. در خرداد ۱۳۸۱، مدیران "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" خواستار آن شد که با ترمیم اساسنامه انجمن، دامنه عضویت آن گسترش پیدا کند (معاون انجمن، دکتر کریم ارغنده پور، روزنامه نگار، شماره ۳۰، خرداد ۱۳۸۱، ۱) اما در زمان نوشتن این سطور (تابستان ۱۳۸۹) نه تنها هنوز چنین تغییری صورت نگرفته بود، بلکه دفتر انجمن در جریان نا آرامی‌های پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ تعطیل شده بود.

^{۱۵} برای آشنائی با دو سازمان صنفی رسانه‌ای دیگر با دامنه عضویتی گسترده نگاه کنید به تورنمای "اتحادیه ملی روزنامه‌نگاران" بریتانیا، ۳۸,۰۰۰ عضو، <http://www.alliance.org.au> و "اتلاف رسانه، سرگرمی و هنر" در استرالیا، <http://www.nuj.org.uk/innerPagenuj.html?docid=27> (دسترسی ۱۶ مرداد ۱۳۸۷).

^{۱۶} "درباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، تورنمای "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، <http://www.aoij.ir/pages.php?t=1> (دسترسی ۱۶ مرداد ۱۳۸۷).

نیز برای نمایندگی گروه‌های خاصی از روزنامه‌نگاران یا برای پیشبرد امور مربوط به روزنامه‌نگاری به شرح زیر برپا شده‌اند:

۱۳۶۹ تاسیس "کانون ملی منتقدان تئاتر"، «به همت هیأت امنای انجمن تئاتر ایران»، با هدف «برخورد فعال با رویدادهای تئاتری کشور، نقد و بررسی وضعیت تئاتری کشور، نقد و بررسی وضعیت تئاتر اعم از سیاست‌گذاری و اجرا، حمایت از علائق حرفه‌ای و حقوق قانونی منتقدان، افزایش آگاهی، تبادل تجربیات، گسترش و اعتلای کار نقد و هنر تئاتر مطابق با موازین فرهنگی جمهوری اسلامی». این کانون ظرف ۶ ماه، «با عضویت ۱۶۷ تن به‌عنوان اعضای رسمی و افتخاری موافقت کرد».^{۱۷}

۱۳۷۴ تاسیس "انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی". مقدمات تشکیل این انجمن هم زمان با جشنواره فیلم فجر ۱۳۷۳ در گردهمایی «حدود ۱۰۰ نفر از نویسندگان و منتقدان سینمایی در سالن سینما» و مراجعه آنان به معاونت سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فراهم شده بود.^{۱۸}

۱۳۷۵ تاسیس "خانه کارتون ایران"، وابسته به "سازمان هنری شهرداری تهران"، برای «به رسمیت شناساندن، ارتقاء، و گسترش کارتون و کاریکاتور در ایران» و کمک به کاریکاتوریست‌های ایرانی برای «معرفی آثارشان در ایران و جهان».^{۱۹}

۱۳۷۶ تاسیس "انجمن صنفی عکاسان مطبوعات ایران"، که در سال ۱۳۸۳ دارای ۴۶۹ عضو، از جمله ۲۵۲ عضو حرفه‌ای تمام وقت، بود. خدمات اصلی انجمن تأمین کارت شناسایی برای «عکس گرفتن حتی در خارج کشور» و «ورود به محدوده ترافیک» در تهران و کمک مالی به اعضاء بود، اما انجمن قصد داشت در سال ۱۳۸۴ دوره‌های آموزشی نیز عرضه کند.^{۲۰}

تاسیس "انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران" به شکل تعاونی مسکن. این سازمان یک سال بعد به انجمن صنفی تبدیل شد و در سال ۱۳۸۳ دارای ۳۴۸ عضو اصلی و تعدادی عضو وابسته دانشجوی بود.^{۲۱}

تصویب پروانه فعالیت "انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی" که اساسنامه آن در سال ۱۳۷۴ به تصویب مجمع عمومی رسیده بود.^{۲۲} این انجمن در وزارت کشور بنا بر «ماده ۱۰ قانون احزاب» ثبت

^{۱۷} علی شیدفر، "کانون ملی منتقدان تئاتر"، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۲۷-۲۶.

^{۱۸} علی معلم، رئیس "انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی"، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۲۶-۲۲.

^{۱۹} تورنمای "خانه کارتون ایران"، <http://www.irancartoon.ir>، (دسترسی ۲ شهریور ۱۳۸۷). اطلاعات آمده در این بخش در بهار ۱۳۸۴ در صفحه "در باره ما" در تورنمای "خانه کارتون ایران" موجود بود. در تابستان ۱۳۸۷، در این صفحه تنها تصاویر "شورای برنامه ریزی هفتمین دوسالانه کارتون تهران" دیده می‌شد، <http://irancartoon.ir/about> (دسترسی ۲ شهریور ۱۳۸۷).

^{۲۰} دفتر "انجمن صنفی عکاسان مطبوعات ایران"، در تماس با نویسنده، تهران، ۴ اسفند ۱۳۸۳.

^{۲۱} دفتر "انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران"، در تماس با نویسنده، تهران، ۳ اسفند ۱۳۸۳.

^{۲۲} رسانه، سال هشتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۶، ۱۳۱.

شده و در نخستین مجمع عمومی آن ۸۹ تن از نویسندگان و عکاسان ورزشی ایران، که تعداد کل آنان در حدود ۱۵۰ نفر تخمین زده می‌شد، حضور داشتند. نخستین کوشش نویسندگان ورزشی برای تاسیس این انجمن، در سال ۱۳۶۸، به نتیجه نرسید. اما گردهمایی نمایندگان نشریات ورزشی در سال ۱۳۷۲، «با حمایت خانم [فائزه] هاشمی، نایب رئیس کمیته ملی المپیک» به تشکیل هیأت موسس و تنظیم اساسنامه انجامید.^{۲۳}

۱۳۷۷ صدور مجوز فعالیت "انجمن روزنامه‌نگاران زن". «هسته اولیه تشکیل این انجمن در کنفرانس [زنان سازمان ملل متحد در] پکن (۱۳۷۵) شکل گرفت، ولی چون شرایط سیاسی کشور برای فعالیت چنین تشکلهایی مناسب نبود درخواست فعالیت» داده نشد.^{۲۴} "انجمن روزنامه‌نگاران زن" در وزارت کشور به ثبت رسید تا «هسته یک حزب سیاسی زنان باشد» اما بعداً به انجمن صنفی تبدیل شد و در سال ۱۳۸۳ دارای ۴۶۰ عضو بود.^{۲۵} "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران" خبرنگارهای به نام صدای زن منتشر می‌کند.^{۲۶}

۱۳۷۸ تاسیس "انجمن نویسندگان کودک و نوجوان" که در سال ۱۳۸۳ در حدود ۲۵۰ عضو داشت و ۳۰ درصد آنان را زنان تشکیل میدادند. "انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان" برای تأمین بیمه، افزایش دستمزد و بهبود شرایط کار اعضاء خود کوشش می‌کند.^{۲۷}

تاسیس "انجمن منتقدان و نویسندگان خانه تئاتر"، که اساسنامه آن در مهرماه ۱۳۷۹ به تصویب مجمع عمومی رسید.^{۲۸}

۱۳۷۹ تاسیس "انجمن دفاع از آزادی مطبوعات" با هدف «حمایت از گردش آزاد اطلاعات و حقوق مصرح در قانون اساسی برای مطبوعات و روزنامه‌نگاران». این انجمن در سال ۱۳۸۳ در حدود ۱۰۰ عضو داشت.^{۲۹} (سازمان دیگری با همین نام در سال ۱۳۵۷ تاسیس شد، اما تنها تا مدت کوتاهی پس از انقلاب به جا ماند. بنیانگذاران آن انجمن عبارت بودند از: شمس آل احمد، دکتر عبدالحمید ابوالحمد، دکتر مهرداد بهار، دکتر حسن صدر، دکتر کاظم معتمد نژاد، و عمید نائینی).^{۳۰}

^{۲۳} سید عبدالحمید احمدی، رئیس هیأت مدیره "انجمن نویسندگان و عکاسان ورزشی"، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۲۲-۲۰.

^{۲۴} صدای زن، "نشریه داخلی انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران"، شماره ۷، شهریور ۱۳۸۱، ۱۱.

^{۲۵} دفتر "انجمن روزنامه‌نگاران زن"، در تماس با نویسنده، تهران، ۴ اسفند ۱۳۸۳.

^{۲۶} تورنمای "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران"، <http://www.aroza.ir/fa/index.php> (دسترسی ۱ شهریور ۱۳۸۷).

^{۲۷} دفتر "انجمن نویسندگان کودک و نوجوان"، در تماس با نویسنده، تهران، ۳ اسفند ۱۳۸۳.

^{۲۸} "تاریخچه موسسه فرهنگی هنری خانه تئاتر"، تورنمای "خانه تئاتر"، <http://www.theaterforum.ir/index.php?file=static&operation=tarikhcheh>.

(دسترسی ۳ شهریور ۱۳۸۷).

^{۲۹} سخنگوی انجمن، ماشاءالله شمس الواعظین، خبرنگار دانشجویی سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، تهران، ۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۳۸۳، ۲.

^{۳۰} دکتر کاظم معتمد نژاد، در تماس با نویسنده، تهران، ۱۸ تیر ۱۳۸۵.

- ۱۳۸۰ تاسیس "انجمن روزنامه‌نگاران آزاد تهران". در اسفند ۱۳۸۳، این انجمن ۳۰۰ عضو داشت که ۶۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند، در حالی که نسبت اعضای زن در "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" با چندین برابر عضو در حدود ۲۳ درصد بود. علت آن بود که "انجمن روزنامه‌نگاران آزاد تهران" نه تنها خبرنگاران و نویسندگان، بلکه حروف نگاران و هنرمندان گرافیک و صفحه‌بندی را نیز، که بیشتر آنان را زنان تشکیل می‌دهند، به عضویت می‌پذیرد. این انجمن، به گفته مسئولان آن، با توجه به رهنمودهای "سازمان بین‌المللی کار" تاسیس شده که «بر پایه آن اتحادیه‌های صنفی می‌بایست نخست در سطح شهر تشکیل شوند و سپس به مقیاس استان و کشور گسترش پیدا کنند».^{۳۱}
- ۱۳۸۲ تاسیس "انجمن روزنامه‌نگاران جوان"، توسط روزنامه‌نگاران تعدادی از هفته‌نامه‌ها و روزنامه‌ها و ورزشی نویسان جوان، برای مطرح کردن «مسائلی مانند بیمه، دستمزد، رتبه، و فرصت برای آموزش و ترفیع» و حمایت از روزنامه‌نگاران جوانی که به دنبال تعطیل روزنامه‌ها کارشان را از دست داده بودند. بنیانگذاران انجمن از این نشریات بودند: چلچراغ، سروش، فرهنگ آشتی، وقایع اتفاقیه و یاس نو.^{۳۲} در اسفند ۱۳۸۳، "انجمن روزنامه‌نگاران جوان" دارای ۲۰۰ عضو بود که ۵۰ درصد آنان را زنان تشکیل می‌دادند.^{۳۳}
- ۱۳۸۳ تاسیس "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان"، با هدف «پیشبرد اخلاق روزنامه‌نگاری، بر پایه تعالیم اسلام»، که در وزارت کشور به‌عنوان سازمان سیاسی ثبت شده. در زمستان ۱۳۸۳، "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان" دارای ۳۵۰ نفر عضو، از جمله ۶۰ عضو زن، بود.^{۳۴}
- تاسیس "انجمن عکاسان بحران"، «به منظور پشتیبانی، هدایت، و استفاده از پتانسیل‌های ارزشمند عکاسان کشور در بروز رخدادهای مهم و بحرانی به‌ویژه بلایای طبیعی».^{۳۵}
- اعلام موجودیت "مجمع نویسندگان دفاع مقدس" در "روز خبرنگار"، ۱۷ مرداد، با هدف جبران «ضعف بزرگ» موجود در ارائه تصویر «مظلومیت شهدای جنگ تحمیلی» به جهان و «بقا و گسترش فرهنگ و ارزش‌های دفاع مقدس به‌عنوان افتخار و پشتوانه ملی و ایجاد فاق و انسجام نویسندگان و خبرنگاران دفاع مقدس».^{۳۶}
-
- ^{۳۱} دفتر "انجمن روزنامه‌نگاران آزاد تهران"، در تماس با نویسنده، تهران، ۳ اسفند ۱۳۸۳. در سال ۱۳۷۶، سازمانی به نام "انجمن خبرنگاران آزاد" نخستین مراحل تشکیل را می‌گذراند - مصاحبه با رضا خسروی از اعضای هیات موسس "انجمن خبرنگاران آزاد"، رسانه، سال هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۶، ۱۹-۱۶.
- ^{۳۲} دبیر "انجمن روزنامه‌نگاران جوان"، فریبا داودی مهاجر، ضمیمه رسانه، سال اول، شماره دوم، نیمه اول تیر ۱۳۸۳، ۳ و ۵.
- ^{۳۳} دفتر "انجمن روزنامه‌نگاران جوان"، در تماس با نویسنده، تهران، ۴ اسفند ۱۳۸۳.
- ^{۳۴} دبیرکل "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان"، علی یوسف پور، خبرنگار نامه دانشجویی سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، تهران، ۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۳۸۳، ۲.
- ^{۳۵} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره سوم، نیمه دوم تیرماه ۱۳۸۳، ۲.
- ^{۳۶} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره هشتم، نیمه اول شهریور ۱۳۸۳، ۵.

پژوهشی در شهریور ۱۳۸۳، نشان داد که نزدیک به نیمی از روزنامه‌نگاران حداقل در یک سازمان صنفی عضویت داشتند. ترکیب عضویت در تشکلهای چنین بود: "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، ۳۹/۴ درصد؛ "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان"، ۶/۵ درصد؛ "انجمن صنفی عکاسان مطبوعات ایران"، ۶/۵ درصد؛ "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران"، ۵/۳ درصد؛ "انجمن نویسندگان کودکان و نوجوانان"، ۲ درصد؛ "انجمن دفاع از آزادی مطبوعات"، ۱/۶ درصد؛ و "خانه کاریکاتور ایران"، ۱ درصد.^{۳۷} رابطه "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" و "انجمن روزنامه‌نگاران مسلمان" چنان تیره بود که در اسفند ۱۳۸۳ هیچ یک حاضر به شرکت در "سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران" نشدند زیرا هر یک به اینکه از دیگری دعوت شده بود اعتراض داشتند. "انجمن روزنامه‌نگاران زن" و "انجمن دفاع از آزادی مطبوعات" در سمینار شرکت داشتند و به بازداشت روزنامه‌نگاران و تعطیل روزنامه‌ها که به «احساس ناامنی، به‌ویژه در میان روزنامه‌نگاران زن» منجر شده بود اعتراض کردند.^{۳۸}

از آموزش پراکنده تا دانشکده ارتباطات

نخستین دوره آموزشی برای روزنامه‌نگاران ایران در سال ۱۳۱۸، توسط وزارت فرهنگ برگزار شد که در جریان دیدار گروهی روزنامه‌نگار خارجی از ایران دریافتی بود تنها تعداد بسیار کمی از روزنامه‌نگاران ایرانی زبان خارجی می‌دانند یا آموزش حرفه‌ای دیده‌اند. برنامه آموزشی این دوره را سردبیر مجله وزارت فرهنگ، محمد محیط طباطبائی، تنظیم کرد که بعدها از پژوهشگران برجسته تاریخ و ادبیات ایران شد و تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، یکی از بهترین کتاب‌ها در این زمینه، را نوشت. معلم آن دوره را چهره‌های سرشناس ادبی، محمد حجازی، سعید نفیسی، و عبدالرحمان فرامرزی، تشکیل می‌دادند.^{۳۹} این دوره با اشغال ایران توسط متفقین و سرنگونی رضاشاه در سال ۱۳۲۰ به پایان رسید. پس از سرنگونی دولت دکتر مصدق در سال ۱۳۳۲، مریبان امریکائی دوره‌ای با نام «کلاس‌های آزاد روزنامه‌نگاری» در دانشکده حقوق دانشگاه تهران دایر کردند. دوره بعدی آموزش روزنامه‌نگاری در ایران در سال ۱۳۴۳ توسط موسسه کیهان، به ریاست دکتر مصطفی مصباح زاده، عرضه شد. مریبان تعدادی از روزنامه‌نگاران کیهان بودند که دکتر مصباح زاده آنان را برای آموزش به خارج فرستاده بود. یکی از این مریبان، حمید مولانا، به آمریکا رفته بود و اولین دانشجوی ایرانی بود که در رشته ارتباطات به درجه دکتری رسید. دیگری کاظم معتمدنژاد بود که دکترای روزنامه‌نگاری را در فرانسه به دست آورد. در ۱۳۴۶ دکتر مصباح زاده از دولت اجازه گرفت که سازمانی آموزشی به نام "موسسه عالی مطبوعات و روابط عمومی"، با دوره چهارساله لیسانس در رشته‌های روزنامه‌نگاری، روابط عمومی و تبلیغات، مترجمی، و عکاسی و فیلم برداری برپا کند. در اولین آزمون ورودی ۶،۰۰۰ نفر شرکت کردند و ۳۰۰ تن آنان پذیرفته شدند. "موسسه عالی مطبوعات و

^{۳۷} ضمیمه رسانه، سال اول، شماره هفتم، نیمه دوم شهریور ۱۳۸۳، ۹.

^{۳۸} سخنرانی نماینده "انجمن روزنامه‌نگاران زن ایران"، خانم اشرف گرامی‌زادگان، و معاون "انجمن دفاع از آزادی مطبوعات"، علی حکمت، در "سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران"، تهران، ۱۱ اسفند ۱۳۸۳.

^{۳۹} محمد محیط طباطبائی، تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، انتشارات بعثت، تهران، ۱۳۶۷، ۱۰-۹.

روابط عمومی" در سال ۱۳۵۰ به "دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی" تبدیل شد.

اندکی پس از انقلاب، در جریان "انقلاب فرهنگی"، "دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی" همراه سایر دانشگاه‌های ایران تعطیل شد. در سال ۱۳۵۹، از ادغام «۳۰ دانشگاه، دانشکده آموزش عالی و مؤسسه خصوصی و دولتی» مجموعه‌ای به وجود آمد که در سال ۱۳۶۳ "دانشگاه علامه طباطبائی" نام گرفت و ارتباطات یکی از گرایش‌های "دانشکده علوم اجتماعی" آن بود. دوره کارشناسی ارشد ارتباطات در سال ۱۳۶۹ عرضه شد،^{۴۰} و دوره دکتری در سال ۱۳۷۵. هدف دوره دکتری چنین اعلام شد: «تربیت مدیران و مشاوران جهت بهبود اداره امور موسسه‌های ارتباطی و به خصوص خبرگزاری‌ها، سازمان‌های رادیویی و تلویزیونی و شبکه‌های ارتباط دور و فن‌آوری‌های نوین ارتباطی، تربیت متخصصان برای معارضة و مقابله با سلطه ارتباط جهانی، از طریق فعالیت‌ها و برنامه‌های ارتباطی بین‌المللی در سطح مملکتی و نیز کوشش‌های ارتباطی بین‌المللی.»^{۴۱} در سال ۱۳۸۳، "بخش ارتباطات" دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی به "دانشکده علوم ارتباطات"، با رشته‌های روزنامه‌نگاری، روابط عمومی، و ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات تبدیل شد.^{۴۲}

پیش از انقلاب، "دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی" شرایط دشواری برای پذیرش و آموزش قرار داده بود، از جمله این که برای دانشجویان رشته روزنامه‌نگاری و رادیوتلویزیون «گذارندن ۲۴ واحد زبان انگلیسی و ۱۲ واحد زبان فرانسه، آلمانی، یا ایتالیایی» اجباری بود.^{۴۳} در دهه ۱۳۷۰، دانشجویانی در دوره کارشناسی ارتباطات "دانشگاه علامه طباطبائی" تحصیل می‌کردند که ارتباطات از پائین‌ترین رشته‌های مورد علاقه‌شان از میان ۷۵ رشته‌ای بود که در آزمون ورودی دانشگاه‌ها انتخاب کرده بودند. میانگین معدل دبیرستان اکثر این دانشجویان بین ۱۰ تا ۱۲، و بالاترین معدل ۱۴/۰۵ بود. در ۱۲۶ واحد دوره کارشناسی، ۹ واحد به زبان خارجی اختصاص داده شده بود، و از این میان ۵ واحد به عربی و یک «زبان خارجی» نامشخص، و ۴ واحد به «زبان تخصصی». ۲۸ واحد، یا ۲۲ درصد برنامه، به روزنامه‌نگاری اختصاص داشت و ۷۸ درصد آن به نظریه‌های ارتباطی، مطالعات اسلامی، جمعیت‌شناسی، آمار، سیاست، مدیریت، و حقوق. در برنامه ۳ واحد به نام "قوانین ارتباطات جمعی" وجود داشت، اما درسی درباره قانون مطبوعات ایران که از زمان مشروطیت مورد اختلاف حکومت و مطبوعات بود وجود نداشت. دانشگاه امکاناتی برای عکاسی، ضبط صدا یا تهیه روزنامه دانشجویی نداشت و نمی‌توانست به روزنامه‌نگاران شاغل دستمزد کافی بپردازد تا مهارت‌های عملی را به دانشجویان آموزش دهد.^{۴۴} درسی در ارتباط با کامپیوتر در برنامه وجود نداشت.^{۴۵} یکی از استادان برجسته ارتباطات ایران، دکتر نعیم بدیعی، «همه چیز در این دانشکده» را «تصوری» توصیف کرد و گفت: «دانشجویان برای درس‌های مصاحبه و گزارش، کار

^{۴۰} دکتر معتمدنژاد، در مصاحبه با محمد وحیدی، ۱ دی ۱۳۸۳، تورنمای ایران و جامعه اطلاعاتی، "مرکز پژوهش‌های ارتباطات" دانشگاه علامه طباطبائی و وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعاتی، <http://iranwsis.org/Default.asp?C=IRNW&R=&I=82#BN82>، (دسترسی ۲۰ بهمن ۱۳۸۳).

^{۴۱} رسانه، سال هفتم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۵، ۱۱۰.

^{۴۲} رئیس دانشکده علوم اجتماعی، محمد مهدی فرقانی، در مصاحبه با خبرنگار دانشجوئی سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران، ۱۲ اسفند ۱۳۸۳، ۴.

^{۴۳} دکتر مهدی محسنیان راد، رسانه، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۳، ۶.

^{۴۴} لیلا رستگار، "انتخاب دانشجوی روزنامه‌نگاری آزمون ویژه می خواهد"، رسانه، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۳، ۱۸-۱۵.

^{۴۵} رسانه، سال دهم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸، ۲۲.

خارج از دانشکده انجام می‌دهند، ولی احساس حرفه‌ای در بچه‌ها به وجود نمی‌آید. خیلی از بچه‌هایی که به‌طور اتفاقی وارد این رشته شده‌اند به این رشته علاقمند می‌شوند و می‌مانند. حتی ما از رشته‌های دیگر متقاضی تغییر رشته به ارتباطات داریم. اما متأسفانه مسأله ما نداشتن امکاناتی است که باید حداقلش را داشته باشیم.»^{۴۶}

دانشکده صدا و سیما

رادیو-تلویزیون ایران پایه‌گذار دومین موسسه قدیمی آموزش مهارت‌ها رسانه‌ای در کشور است که در سال ۱۳۴۸ با نام "مدرسه عالی تلویزیون و سینما" تاسیس شد. تورنمای "صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران" می‌گوید این مدرسه عالی

کار خود را با یک دوره کوتاه مدت یک ساله آغاز کرد. بعدها این دوره به دو دوره دو ساله (کاردانی) در رشته‌های تولید و فنی ارتقاء یافت. در همین زمان دوره‌های کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی، تحقیق در ارتباطات جمعی و مهندسی الکترونیک نیز در مدرسه عالی تلویزیون و سینما طراحی و اجرا شد. پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران، ضرورت ایجاد کرد که این موسسه منحصرأ به تربیت نیروی انسانی مورد نیاز سازمان صداوسیما پردازد. ابتدا نام موسسه به «مرکز آموزش فنی» و سپس به «دانشکده صداوسیما» تغییر یافت. در سال ۱۳۶۱ مقطع کاردانی تولید این دانشکده به مقطع کارشناسی تولید ارتقاء یافت و در سال ۱۳۷۴ دوره کارشناسی ناپیوسته فنی (مهندسی مخابرات) و در سال ۱۳۷۵ دوره کارشناسی ارشد تولید سیما نیز به دوره‌های دانشکده افزوده شد. از سال ۱۳۷۶ رشته کارشناسی ارتباطات نیز با پذیرش دانشجویان به جمع رشته‌های تحصیلی دانشکده پیوست. دانشکده صداوسیما در حال حاضر دارای هفت گروه آموزشی شامل تولید، مهندسی رسانه، ارتباطات، موسیقی، رادیو، هنرهای رایانه‌ای، معارف اسلامی و دروس عمومی می‌باشد که دانشجویان آن در چهار مقطع کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ناپیوسته و کارشناسی ارشد مشغول به تحصیل هستند [...] دانشکده صداوسیما در قم نیز از اوایل سال ۱۳۷۷ فعالیت را با پذیرش دانشجویان جهت تحصیل در دوره کارشناسی ارشد ارتباطات با گرایش تهیه‌کنندگی آغاز کرده است. لازم به ذکر است که شعبه قم دانشجویان خود را از میان طلاب دارای مدرک سطح حوزه‌های علمیه برمی‌گزیند.^{۴۷}

رضا طلاچیان، یکی از استادان پیشین "مدرسه عالی تلویزیون و سینما"، درباره تاسیس و شیوه کار آن پیش از انقلاب چنین می‌گوید:

"مدرسه عالی تلویزیون و سینما" از طریق رادیو-تلویزیون ملی ایران از حمایت اداری و مالی کامل دولت برخوردار بود. دانشجویان پس از قبول شدن در آزمون ورودی، همراه با درس‌های عمومی که به نحوی به فیلم‌سازی مربوط می‌شد یک دوره آموزش فنی دوساله را نیز می‌گذراندند. پرداخت همه هزینه‌ها، از جمله دوربین و لوازم فیلم

^{۴۶} دکتر نعیم بدیعی، در گزارش لیلا رستگار، "انتخاب دانشجوی روزنامه نگاری آزمون ویژه می‌خواهد"، ۱۷.

^{۴۷} "تاریخچه"، از صفحات "درباره دانشکده"، تورنمای دانشکده صدا و سیما ایران، <http://www.iribu.ir/about/history.htm>، (دسترسی ۱۷ مرداد ۱۳۸۷).

برداری، فیلم خام و ظهور آن، وسائل تولید پویانمایی، هزینه اقامت و خورد و خوراک و ماهانه‌ای معادل ۳۰۰ دلار برای هر دانشجو، با دولت بود. در عوض، دانشجویان متعهد می‌شدند که پس از فارغ‌التحصیلی به مدت پنج سال به‌عنوان فیلم‌بردار، صدا بردار، و مانند آن در خدمت دولت، معمولاً در رادیو تلویزیون ملی ایران، کارکنند. دولت این مدرسه عالی را برای آموزش کارکنان متخصص فنی، به هزینه رادیو-تلویزیون ملی ایران، تاسیس کرده بود. بعدها، دوره کارشناسی ارشد نیز به مدرسه عالی افزوده شد که ورود به آن با مدرک کارشناسی هر رشته‌ای ممکن بود، اما فارغ‌التحصیلان دوره کاردانی مدرسه عالی تلویزیون و سینما نمی‌توانستند به آن وارد شوند. دانشجویان کارشناسی ارشد دوره آموزش فنی دانشجویان کاردانی را طی نمی‌کردند. مواد درسی آنان بیشتر نظری بود تا عملی و پس از تحصیل در بخش برنامه‌سازی رادیو تلویزیون ملی ایران، یا در وزارت آموزش و پرورش جذب می‌شدند. این دانشجویان هم در دوره تحصیل و هم پس از آن بیشتر از دانشجویان دوره کاردانی از حمایت دولت برخوردار می‌شدند. بیشتر دانشجویان دوره کارشناسی ارشد متاهل بودند و تعداد زن و مرد در میان آنان برابر بود، در حالی که ۹۵ درصد دانشجویان دوره کاردانی مرد بودند.^{۴۸}

"دانشکده صدا و سیما" و سازمان انتشارات "صدا و سیما"، "سروش"، ده‌ها جلد کتاب درباره رسانه‌ها منتشر کرده‌اند.^{۴۹} اما به نظر نمی‌رسد آموزش‌ها و انتشارات "صدا و سیما" مستقیماً بر مطبوعات زیادی گذاشته باشند، نخست به این دلیل که بیشتر ماهیت فنی دارند تا تحریری. دوم آنکه اگرچه به نظر می‌رسد نشریات محافظه‌کار، به ویژه کیهان، با رادیو-تلویزیون، رابطه خوبی دارند، بعید است رابطه خصمانه "صدا و سیما" با مطبوعات اصلاح‌طلب، که پیش از این به آن اشاره شد، به انتقال دانش و تجربه میان دو طرف کمک کرده باشد.

دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها

نخستین مرکز پس از انقلاب برای آموزش رسانه‌ها "مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها" بود که در سال ۱۳۶۸ به‌عنوان بخشی از "معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی" وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، برای «بازآموزی کارکنان تحریریه مطبوعات و آموزش کارکنان با کفایت برای مطبوعات» تاسیس شد. در همان زمان، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بخشی نیز با نام "مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها"، با «هدف اصلی پژوهش در ارتباطات، با تأکید ویژه بر مطبوعات و روزنامه‌نگاری»، تاسیس کرد. از ادغام دو موسسه در سال ۱۳۷۵ "مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها" به وجود آمد که بعدها "دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها" نام گرفت. این دفتر هدف‌های کلی خود را «انجام و حمایت از تحقیقات نظری و کاربردی و گسترش آموزش در حوزه رسانه‌ها با تأکید بر مطبوعات، انتشار

^{۴۸} رضا طلاچیان، "History of Iranian Feature Film (1896-1975)" <http://www.lib.washington.edu/neareast/cinemaofiran/studiosfinal.html> and Brief Critical History of Iranian Feature Film (1896-1975)، در (۱۸۹۶-۱۹۷۵)، "A Brief Critical and Survey Catalogue (بررسی فهرست وار و تاریخچه انتقادی فیلم سینمایی ایران (۱۸۹۶-۱۹۷۵))"، پایان نامه کارشناسی ارشد، بخش سینما و عکاسی، دانشکده کارشناسی ارشد، دانشگاه ایلینوی جنوبی، دسامبر ۱۹۸۰، <http://www.lib.washington.edu/NearEast/cinemaofiran/intro.html>، (دسترسی ۱ مرداد ۱۳۸۷).

^{۴۹} مجموعه کتاب‌های انتشارات سروش، تهران، سروش، ۱۳۸۳؛ "تالیف و ترجمه کتب و جزوات آموزشی"، تورنمای "دانشکده صدا و سیما"، <http://www.iribu.ir/research/translation.htm>؛ و "بازار کتاب"، تورنمای "سروش"، <http://www.soroushpress.com/bookshop.aspx>، (دسترسی ۲ شهریور ۱۳۸۷).

منابع مفید در حوزه مطبوعات و تبلیغات، اعم از تألیف و ترجمه، کمک به رشد و گسترش فعالیت مطبوعاتی و کمک به تدوین سیاست‌های مطبوعاتی و تبلیغاتی» اعلام کرده است. بخش آموزشی "دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها" دوره‌های کوتاه مدتی را برای مطبوعات و خبرگزاری‌ها، در تهران و شهرستان‌ها، در این زمینه‌ها عرضه می‌کند: خبرنگاری، گزارش‌نویسی، ویراستاری، مصاحبه، مبانی ارتباط جمعی، مدیریت اخبار، حقوق مطبوعات، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی روزنامه‌نگاران، ارتباطات بین‌الملل، صفحه‌آرایی، طراحی، گرافیک، چاپ و نشر، عکاسی و تصویرسازی در مطبوعات. کتابخانه تخصصی دفتر در زمینه علوم ارتباطات و مطبوعات (یکی از غنی‌ترین مجموعه‌های تخصصی در سطح کشور) است. انتشار فصلنامه رسانه از سال ۱۳۶۹ و چاپ ده‌ها جلد کتاب و گزارش پژوهش نیز از جمله فعالیت‌های "دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها" است.^{۵۰}

دانشگاه آزاد اسلامی ایران

این دانشگاه بنا بر اطلاعات موجود در تورنمای آن، در فاصله سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۸ بیش از ۲۲۰ دانشجوی را در رشته روزنامه‌نگاری پذیرفت. روند پذیرش دانشجویان با فراز و فرود روزنامه‌نگاری ایران در همان سال‌ها هماهنگ بود. در سال‌های ۷۴-۱۳۷۲، یعنی پیش از رونق گرفتن کار مطبوعات، ۴ نفر دانشجوی روزنامه‌نگاری وارد "دانشگاه آزاد اسلامی" شدند. تعداد دانشجویان به سرعت افزایش پیدا کرد و در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۷ به ترتیب به ۲۲، ۵۰، و ۱۲۱ نفر رسید. در سال ۱۳۷۸، تعداد دانشجویان به ۲۳ نفر کاهش یافت. در زمان انجام این پژوهش (اسفند ۱۳۸۳) در تورنمای دانشگاه برای سال‌های بعد عددی ثبت نشده بود.^{۵۱}

دانشگاه تهران

در دانشگاه تهران دوره آموزش روزنامه‌نگاری وجود ندارد، اما "گروه ارتباطات اجتماعی" دانشکده علوم اجتماعی که هر سال در حدود ۴۰۰ دانشجوی در درس‌های آن ثبت نام می‌کنند از سال ۱۳۷۳ دو درس "روزنامه‌نگاری عملی" و "روزنامه‌نگاری تخصصی" را عرضه کرده است.^{۵۲} در زمستان ۱۳۸۳، درس «روزنامه‌نگاری عملی» «به علت نداشتن متقاضی» از برنامه حذف شده بود، اما درس "روزنامه‌نگاری تخصصی" عرضه می‌شد.^{۵۳}

^{۵۰} "درباره ما"، تورنمای "دفتر مطالعه و توسعه رسانه‌ها"، <http://www.rasaneh.org/persian/about.asp>، (دسترسی ۱۷ مرداد ۱۳۸۷).

^{۵۱} تورنمای "دانشگاه آزاد اسلامی"، اطلاعات مربوط به دانشکده علوم اجتماعی و روانشناسی،

[http://www.iauctb.org/english/Social per cent20Sciences&Psychology per cent20.htm](http://www.iauctb.org/english/Social%20per%20cent20Sciences&Psychology%20per%20cent20.htm)، (دسترسی بهار ۱۳۸۴).

^{۵۲} دفتر دانشکده در تماس با نویسنده، تهران، ۲۵ اسفند ۱۳۸۳.

^{۵۳} اطلاعیه نصب شده در دانشکده، اسفند ۱۳۸۳. در تابستان ۱۳۸۷، صفحه "معرفی گروه ارتباطات اجتماعی" خالی بود. رشته "مطالعات فرهنگی و رسانه" در سطح "کارشناسی ارشد" در تورنمای "بخش ارتباطات اجتماعی" ثبت شده بود، اما "شرح دروس" آن قابل دسترسی نبود. "معرفی گروه ارتباطات اجتماعی" <http://social.ut.ac.ir/pages/Amoozesh/SocialCommunications/introduction.aspx>، "رشته‌ها و مقاطع تحصیلی"، <http://social.ut.ac.ir/pages/Amoozesh/SocialCommunications/courses.aspx>، در تورنمای "گروه ارتباطات اجتماعی" دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، <http://social.ut.ac.ir/departments/Amoozesh/SocialCommunications>، (دسترسی ۲ شهریور ۱۳۸۷).

آموزش کاریکاتور

در فاصله سال‌های ۱۳۷۸ و ۱۳۸۴، بیش از ۶,۰۰۰ نفر در دوره‌های آموزشی "خانه کارتون ایران" شرکت کرده بودند. "خانه کارتون ایران" آرشویی هم از کاریکاتورهای تهیه شده در ایران و سایرکشورها تاسیس کرده است.^{۵۴}

دانشکده خبر

"خبرگزاری جمهوری اسلامی" در سال ۱۳۷۶ موسسه‌ای به نام "دانشکده خبر" تاسیس کرد.^{۵۵} بنا بر اساسنامه "دانشکده خبر"، زنان باید ۳۰ درصد دانشجویان آن را تشکیل بدهند. نیمی از دانشجویان را کارکنان خبرگزاری تشکیل می‌دهند؛ ۲۰ درصد را کارکنان رسانه‌های دیگر یا روابط عمومی سازمان‌های دولتی؛ و ۳۰ درصد جای باقیمانده در اختیار سایر متقاضیان قرار می‌گیرد. "دانشکده خبر" به "دانشگاه مطالعات علمی-کاربردی" وابسته است و دوره‌های کوتاه مدتی نیز برای کارکنان خبرگزاری جمهوری اسلامی و سایر رسانه‌ها برگزار می‌کند.^{۵۶}

دانشکده جامع علمی-کاربردی "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"

این دانشکده نیز وابسته به "دانشگاه مطالعات علمی-کاربردی" است و منشاء آن دوره‌های کوتاه مدتی است که در محل انجمن برگزار می‌شد. "دانشکده" انجمن در سال ۱۳۸۱ با ۱۶ دانشجوی عکاسی خبرنگاری شروع به کار کرد. در پایان سال ۱۳۸۳ رشته‌های ترجمه، گزارشگری، و روابط عمومی در دانشکده تدریس می‌شد و تعداد دانشجویان به ۱۵۰ رسیده بود.^{۵۷} به گفته مسئولان "انجمن"، دوره‌های این دانشکده و "دانشکده خبر" به علت ماهیت عملی شان فرصت‌های شغلی بیشتری در اختیار دانشجویان می‌گذارند. نداشتن درس در زمینه اقتصاد و مدیریت رسانه‌ها یکی از کمبودهای بزرگ برنامه این دانشکده، و سایر موسسات آموزش روزنامه‌نگاری ایران، بوده است.^{۵۸}

^{۵۴} "خانه کارتون ایران" در تماس با نویسنده، ۱۵ اسفند ۱۳۸۳.

^{۵۵} صفحات "دانشکده خبر" در تورنمای "خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران"،

http://www.irna.ir/?SAB=OK&LANG=PE&PART=_OTHER&TYPE=_COLLEGE، (دسترسی بهار ۱۳۸۴).

^{۵۶} همان.

در سال ۱۳۸۶، "دانشکده خبر" «بیش از یک هزار دانشجو در دوره‌های کارشناسی خبرنگاری (با شش گرایش سیاسی، اقتصادی، استراتژیک، فرهنگی هنری، ورزشی و اجتماعی) و مترجمی خبر» داشت و در «دوره کاردانی عکاسی و دوره‌های پودمانی» نیز دانشجو می‌پذیرفت. مدیر عامل "خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران"، سید جلال فیاضی، ۱۲ مرداد ۱۳۸۶، خبرگزاری فارس، <http://www.mehrnews.com/fa/NewsDetail.aspx?NewsID=545439> (دسترسی ۱۸ مرداد ۱۳۸۷).

^{۵۷} درباره دانشکده انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، اطلاعات داده شده به نویسنده، تهران، دی ماه ۱۳۸۳. به گزارش "انجمن" در سال ۱۳۸۷، دانشکده دارای «ظرفیت بیش از ۶۰۰ صندلی آموزشی» بود - درباره انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران، تورنمای "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران"، <http://www.aoij.ir/pages.php?t=1>، (دسترسی ۱۶ مرداد ۱۳۸۷).

^{۵۸} دبیر "انجمن صنفی روزنامه‌نگاران ایران" مسعود هوشمند رضوی، در مصاحبه با نویسنده، تهران، ۱۵ دی ۱۳۸۳.

رونویسی از مردگان

میزان تأثیر آموزش روزنامه‌نگاری پیش و پس از انقلاب در کیفیت مطبوعات ایران موضوع قابل بحثی است. دکتر مهدی محسنیان راد در سال ۱۳۷۳ به این نتیجه رسید که از ۱,۰۰۰ فارغ التحصیل در ۲۲ سال آموزش روزنامه‌نگاری ایران تنها ۶۰ نفر به حرفه روزنامه‌نگاری وارد شده بودند.^{۵۹} در همان سال، فصل نامه رسانه در سرمقاله‌ای خبر داد که «از نوروز ۱۳۷۰ تا پایان سال ۱۳۷۲، بیش از پنج هزار مدرک (کتاب، مقاله، رساله دانشگاهی، جزوه درسی، گزارش با تکثیر محدود و...) در زمینه ارتباطات و رسانه‌های جمعی در ایران نوشته شده است.» به گفته رسانه، «یک بررسی اجمالی» نشان می‌داد که «روند تهیه و تدوین پایان نامه در طول تاریخ دانشگاه‌ها سیر نزولی داشته و به جایی رسیده که امروز دانشجویان این مهم را برای "رفع تکلیف" انجام می‌دهند.» بررسی تعدادی از پایان نامه‌های «دانش آموختگان رشته علوم ارتباطات اجتماعی» در دانشگاه‌های ایران، نشان داده بود که

جز بعضی آثار فخیم و ارجمند که از ارزش علمی برخوردار هستند و ضرورت دارد که به چاپ برسند، آثاری با نام بزرگ و با ظاهر چشم نواز و دهان پرکن نیز مشاهده می‌شوند که بدون در نظر گرفتن نیاز جدی جامعه علمی تدوین شده است. غالب آن‌ها به میزان قابل توجهی یا از منابع خارجی ترجمه شده‌اند و یا رونویسی تحقیق کسانی هستند که در روزگاری سخت و طاقت فرسا کار کرده‌اند و بعضی از آنان امروز دار فانی را وداع گفته‌اند. تعدادی نیز رونویسی از رساله‌های دانشگاهی دانشجویان دوره‌های پیشین یا دانشکده‌های دیگر است.

به گمان رسانه، شاید همین سوء استفاده‌ها باعث شده بود که کتابخانه‌ها پایان نامه‌ها را به امانت ندهند.^{۶۰} به دنبال انتقاد شدید آیت‌الله خامنه‌ای از کیفیت مطبوعات در بهار ۱۳۷۵،^{۶۱} رسانه در سرمقاله‌ای گفت با وجود آموزش روزنامه‌نگاری در دانشگاه علامه طباطبائی، دانشگاه آزاد اسلامی و مرکز گسترش آموزش رسانه‌ها، «سخت است که شاهد انتشار نشریه‌ای با ضعف‌های تکنیکی فراوان باشیم، ولی متأسفانه باید بپذیریم که چنین ضعف‌هایی وجود دارد.» سرمقاله رسانه گفت «مروری سطحی در انبوه نشریه‌هایی که منتشر می‌شوند بیانگر وجود خلاءهای بسیاری در عرصه آموزش حرفه‌ای دست اندرکاران رسانه‌های مکتوب کشور است»، و از «نشریات کشور که بخش عمده‌ای از آن‌ها در تهران منتشر می‌شوند» خواست که «مسأله آموزش حرفه‌ای بخش‌های تحریری خود را جدی‌تر بگیرند و برای آن برنامه‌ریزی کنند.» سرمقاله گفت آموزش روزنامه‌نگاری باید «تجربه عملی» را نیز در برگیرد تا دانشجوی «آزمون و خطای اولیه» خود را در نشریه‌های کارگاهی مشق کند و سپس وارد عرصه کار حرفه‌ای گردد.»

سرمقاله رسانه همچنین خواستار آن شد که کارگاه‌های آموزشی برای روزنامه‌نگاران شاغل تشکیل شود. به اعتقاد رسانه، یک راه حل آن بود که چنین کارگاه‌هایی را دانشگاه‌ها برپا کنند، اما با توجه به امکانات موجود در دانشگاه‌ها، چنین پیشنهادی در واقع «موکول به محال» بود. راه حل دیگر آن بود که مسئولان مطبوعات همانطور

^{۵۹} مهدی محسنیان راد، "روزنامه‌نگاران ایران و آموزش روزنامه‌نگاری"، به نقل از لیلا رستگار، "انتخاب دانشجوی روزنامه‌نگاری آزمون ویژه می‌خواهد"، رسانه، سال پنجم، شماره ۴، زمستان ۱۳۷۳، ۱۱.

^{۶۰} رسانه، سال پنجم، شماره ۳، پائیز ۱۳۷۳، ۱.

^{۶۱} نگاه کنید به "فصل چهارم: جنگ، بازسازی، بازگشت روزنامه‌نگاری (۷۵-۱۳۵۹)".

که «برای فیلم و زینک و کاغذ و دیگر نیازهای سخت افزاری کار حرفه‌ای برنامه‌ریزی می‌کنند، برای ارتقای آموزش حرفه‌ای نیروهای تحریری خود نیز برنامه‌ریزی نمایند» و برگزاری کارگاه‌های آموزشی را بر عهده بگیرند. به گفته سرمقاله، موفقیت در این راه نیازمند «همکاری متقابل، نزدیک و صمیمی مراکز آموزشی و نهادهای مطبوعاتی» بود، که سال‌ها بود از آن صحبت می‌شد، بدون آنکه «حرکتی جدی در این زمینه دیده» شده باشد. در پایان، سرمقاله با لحنی نه چندان امیدوارانه از «تمامی دست‌اندرکاران آموزش حرفه‌ای روزنامه‌نگاری و همچنین موسسه‌های بزرگ و کوچک مطبوعاتی» خواست که «به این مهم اندیشه کنند و برای رفع این نقیصه بزرگ چاره‌ای بیابند.»^{۶۲}

در تابستان ۱۳۸۳، مشکل به جای خود باقی بود. استاد ارتباطات، دکتر کاظم معتمدنژاد، گفت «در کلاس‌های ما در خوشبینانه‌ترین حالت حداکثر ۱۰ درصد دانشجویان هستند که آمادگی کار در مطبوعات را پیدا می‌کنند. برای همین هم ما تصمیم گرفته ایم برای رشته روزنامه‌نگاری کنکور اختصاصی برگزار کنیم» تا دانشجویان «فقط بر حسب تصادف وارد رشته روزنامه‌نگاری» نشوند.^{۶۳} کسری نوری، سردبیر ایران، روزنامه متعلق به خبرگزاری جمهوری اسلامی، یکی از بخش‌های وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، از ضرورت «به روز» شدن کتاب‌های «متعلق به ۲۰-۳۰ سال گذشته» نظام آموزشی سخن گفت، و از این که به علت رشد گرایش‌های تخصصی، «چه بسا کسانی که فارغ التحصیل رشته‌های دیگر بوده‌اند و وارد فعالیت روزنامه‌نگاری شده‌اند و تعداد آن‌ها نیز کم نیست، و موفق هم هستند.» آقای نوری گفت این «که در سال‌های اخیر افرادی با تجربه آکادمیک، عملی و حرفه‌ای در دانشگاه‌ها مسئولیت به عهده گرفته‌اند [...] اتفاق بسیار مطلوبی است»، اما تایید کرد که «تعداد این کارشناسان بسیار اندک است» و افزود که «از همین کارشناسان هم استفاده نمی‌شود. این کارشناسان به دلیل فعالیت در روزنامه‌ها ضعف‌ها را بهتر تشخیص می‌دهند. به‌طور مثال، یکی از ضعف‌های مطبوعات این است که کمتر نشریه‌ای یافت می‌شود که بدنه و ساختارش با زبان انگلیسی آشنا باشد.»^{۶۴}

چندماه بعد، مقاله‌ای در روزنامه شرق اشاره کرد که بسیاری از روزنامه‌نگاران فارسی را هم خوب نمی‌دانستند، «متضمن، معضل، و آنفلونزا» را «متزمن، معزل، و آنفلونزا» می‌نوشتند و ضرورتی هم حس نمی‌کردند که برای اطمینان از درستی نوشته خود «کوچک‌ترین سرکی به فرهنگ لغات بکشند.» مقاله از این «واقعیت تلخ زمانه روزنامه‌نگاری ما» سخن گفت که «دانشجویان روزنامه‌نگاری به شدت کم مطالعه و کم سواد هستند» و افزود:

اکنون کمتر می‌بینیم استادانی در رشته روزنامه‌نگاری تدریس کنند که خود روزنامه‌نگار باشند. تعدادی از این مدرسان تنها به صرف اینکه مدرکی در تحصیلات تکمیلی دارند، باید تدریس کنند. به این ترتیب، اگر ذوق و هنر نویسندگی، خلاقیت و تخصص در کار روزنامه‌نگاری هم در کارشان بود، که در بیشترشان نیست، به نظر ایرادی ندارد. استاد ما سر کلاس همانقدر می‌داند که دانشجوی ما که روی ورقه امتحانی «معضل» را «معزل» می‌نگارد.

^{۶۲} کارگاه آموزش حرفه‌ای، رسانه، سال هفتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۵، ۱.

^{۶۳} جام جم، ۷ دی ۱۳۸۳، ۹.

^{۶۴} کسری نوری، مصاحبه با ضمیمه رسانه، سال اول، شماره دوم، نیمه اول تیرماه ۱۳۸۲، ۶-۷.

این درد بزرگی است. دانشجوی ما و خبرنگار تازه کار ما همانقدر می‌دانند که استادان بی‌انگیزه سر کلاس از جای دیگر تنها مرور کرده‌اند و اینک سر کلاس می‌گویند. و جالب‌تر این است که دست به قلم می‌شوند و کتاب‌های درشت می‌نویسند. درد بزرگ این است: فقر مطالعه برای دانشجویان این رشته و خبرنگاران؛ قحطی حرفه‌ای‌ها؛ خبرنگاری غیر حرفه‌ای‌ها در دنیای تخصصی؛ نشناختن کلمه‌ها و ترکیب‌ها؛ ناآشنائی با ادبیات فارسی؛ نداشتن نثر و شناسنامه و هویت نویسنده‌گی.^{۶۵}

فاصله نظام آموزش روزنامه‌نگاری ایران و روزنامه‌نگاران شاغل کشور در "سومین سمینار بررسی مسائل روزنامه‌نگاری ایران"، در روزهای ۱۱ و ۱۲ اسفند ۱۳۸۳، به روشنی نمایان شد. روزنامه‌نگاران شاغل تنها یک سوم سخنرانان را تشکیل می‌دادند.^{۶۶} هیچ سردبیر، روزنامه‌نگار سرشناس، یا مدیر مسئولی در میان حاضران در سمینار دیده نمی‌شد و هیچ یک از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تمام جلسه‌های سمینار شرکت نکردند.^{۶۷} وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، احمد مسجد جامعی، در آخرین ساعات دومین روز به سمینار آمد و در سخنرانی خود، بار دیگر، رشد کمی مطبوعات را گزارش داد. آقای احمد مسجد جامعی در مدت کوتاه حضور خود توانست سخنرانی دو روزنامه‌نگار شهرستانی، درباره مشکلات فراوان روزنامه‌نگاران شهرستانی، را که به برنامه افزوده شده بود،^{۶۸} بشنود و در پاسخ خواستار آن شد که سمینار دیگری برای بحث در این باره تشکیل شود.^{۶۹}

^{۶۵} مهران بهروز فغانی، "غلط نویسی حرفه‌ای‌ها"، شرق، ۲۹ دی ۱۳۸۳، ۱۳.

^{۶۶} "برنامه سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران"، تهران، ۱-۱۱ اسفند ۱۳۸۳.

^{۶۷} دکتر کاظم معتمدنژاد، جمع‌بندی "سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران"، تهران ۱۲ اسفند ۱۳۸۳.

^{۶۸} سخنرانی روزنامه‌نگاران قزوینی، حسن حسن زاده و حسین طاهری، "سومین سمینار بررسی مسائل مطبوعات ایران"، ۱۲ اسفند ۱۳۸۳.

^{۶۹} فرناز شهید ثالث، "چالش‌ها و چشم‌اندازها برای صندلی‌های خالی"، شرق، ۱۶ اسفند ۱۳۸۳، ۱۳.